عدم تنافی گزینه‌های ثبوتی با میقاتیت

شاگرد۲: اقتضاء میقاتیت این بود که شارع یکی از این گزینه های ثبوتی را انتخاب کند و بقیه طولی بشوند. نه اینکه مثلاً پنج گزینه داشته باشد و هر کسی خواست یکی را بگیرد. این خلاف میقاتیت میشود.

استاد: ببینید اینکه شهر یک واقعیت تکوینی دارد را خود شارع به ما فرموده است. شارع که این را کنار نمی‌گذارد. ولی شارع یک مقصود بسیار بسیار مهمی از این موضوع تکوینی دارد. ماه که یک دور میزند موضوع تکوینی شهر است که خدای متعال آفریده است. از این موضوع برای روزه و امور تکوینی که از ملکوت متوجه عالم زمین میشود، در جای خودش بیان فرموده‌اند. اما حتما میخواهد این میقات باشد؛ «مواقیت للناس».

دیروز عرض کردم یکی از بهترین مقاطع مباحثه، جایی بود که صاحب کفایه فرمودند به دنبالش بروید و نگاه کنید. ما نگاه کردیم. البته نه از باب بی ادبی، طلبگی عرض میکنم. واقعاً این به ذهنم خطور کرد. گفتم وقتی صاحب کفایه این جمله را فرمودند، مثلاً اگر تنها همین روایت شاه عبد العظیمی حسنی –که امروز هم با ایشان مناسبت دارد- در ذهن شریف ایشان بود، احتمال میدهم که آن را نمی گفتند که هر کسی مراجعه کند برایش واضح است. این روایت بسیار مهم است. قبلاً بحث کرده‌ایم. فقط اشاره میکنم.

> **و بإسناده عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني عن سهل بن سعد قال سمعت الرضا ع يقول الصوم للرؤية و الفطر للرؤية و ليس مني من صام قبل الرؤية للرؤية و أفطر قبل الرؤية للرؤية قال قلت: له يا ابن رسول الله- فما ترى في صوم يوم الشك- فقال حدثني أبي عن جدي عن آبائه ع- قال: قال أمير المؤمنين ع لأن أصوم يوما من شعبان «3»- أحب إلي من أن أفطر يوما من شهر رمضان.[1]**

چرا این روایت جالب است؟ چون بین همان چیزی که صاحب کفایه میخواستند پر رنگ کنند و بین غیر آن، این روایت جمع کرده است. آن چه که ایشان میگفتند را آورده، دنبالش هم ضد مقصود ایشان است. سؤال چیست؟ **«قال سمعت الرضا ع يقول الصوم للرؤية و الفطر للرؤية»؛** صوموا للرویه، لاتصم الا ان تراه؛ روایات متواتره است که شروعش با همین روایت است.

«و ليس مني»؛ تعبیر را ببینید؛ **«و ليس مني من صام قبل الرؤية للرؤية و أفطر قبل الرؤية للرؤية»؛** این هم تعبیر تند.

«قال قلت»؛ با یک سؤال و جواب دستگاه روایت هنگامه ای میشود. اگر صاحب کفایه این را دیده بودند دیگر آن را نمی گفتند. دیگر حرف شیخ انصاری را رد نمی کردند.

«قلت له ای ابن رسول الله فما تری فی صوم یوم الشک»؛ روز روز سوم الشکی که اصلا ندیده ایم را چطور می‌بینید؟ حضرت باید می‌گفتند من که جواب را دادم؛ ماه مبارک است و ...! حضرت چه جوابی می‌دهند؟

«فقال حدثنی أبی عن جدی عن آبائه ع- قال: قال أمیر المؤمنین ع لأن أصوم یوما من شعبان أحب إلی من أن أفطر یوما من شهر رمضان»؛ شما که گفتید اگر نبینند، که شهر رمضان نیست؟! پس چطور «احبّ الیّ من ان افطر یوما من شهر رمضان»؟! معلوم می‌شود که می‌شود شما ندانید ولی شهر رمضان داخل شده باشد. چون سوم الشک است. اینها خیلی مهم است.

در روایت دیگر بود؛ خیلی مهم بود؛

> **و عن أبی خالد عن زید بن علی عن آبائه ع قال: قال رسول الله ص صوموا سر الله قیل ما سر الله قال یوم الشک**[2]

«صوموا سر الله»؛ این تعبیرات، تعبیرات لطیفی است. **«قیل ما سر الله قال یوم الشک»**؛ خدا آن را مخفی کرده است، آن را بگیرید.

بنابراین در اینکه شارع خواسته به میقاتیت برسید، به استصحاب عمل کنید؛ در ابتدای این مباحثات سه-چهار اصل مهم را عرض کردم. واضحات فقه است. اول؛ شارع در هیچ شرائطی از سماحت شریعت نمی گذرد؛ «بعثت علی الشریعة السمحة السهلة». شارع از این نمی گذرد. دوم؛ عمل به اصول عقلائیه مثل استصحاب است. نظام مختل می‌شود. استصحاب یکی از مهمترین اصول و بنائات عقلائیه است که با آن کار عقلاء جلو می‌رود. شارع از این نمی گذرد. سوم که مربوط بخصوص بحث هلال است؛ دو مورد قبلی مربوط به کل شریعت است. سوم؛ میقاتیت است؛ «قل هی مواقیت للناس». شارع برای رؤیت هلال و ماههایی که می‌خواهد برای متشرعه بیاید، از میقاتیت نمی گذرد. میقاتیت مقصود اصلی شارع در بلاد و امت اسلامیه است. بر میقاتیت صوم و شهر مبارک، تعظیم شعائر صوم متفرع می‌شود. «بنی الاسلام علی الخمس» که یکی از آنها صوم شهر رمضان است. تعظیم شعائر صوم به این است که کل امت اسلامیه با هم شروع کنند و با هم تمام کنند. اینها چیزهای مبهمی نیست.

خب حالا اگر شارع می‌خواهد به اینها برسد و راههای ثبوتی چندتا است، چه کار می‌کند؟ خیلی واضح است؛ او با حفاظ بر سهولت، بر استصحاب، بر تعظیم شعار، بر میقاتیت، میخ امت اسلامیه را می‌کوبد. هر کسی هم که بخواهد بازی در بیاورد و در سوم الشک اختلاف بیاندازد، نهی صریح می‌کند؛ ما اینها را بحث کردیم، غلط می‌کند که می‌گیرد. چرا؟ چون جا جایی است که می‌خواهد این مهمات را به هم بزند.

وقتی شارع از این به مقصود خودش رسید، حالا نمی‌گذارد جیب مکلفین به‌عنوان آحاد مکلفین خالی بماند. با سائر بیانات فردیه به اینها می‌گوید روزه بگیرید. به امام گفت: صوم یک الشک چیست؟ فرمودند «اُمُرَ به و نُهیَ عنه». «اُمُرنا به و نُهینا عنه». چه تعبیری است! هم امر داریم و هم نهی داریم. مفصل از اینها بحث کردیم. جلسات دلنشینی بود.

بنابراین وقتی راهها متعدد است و کل کره هم یک کره‌ای است که بیست و چهار ساعت دارد، الآن شارع می‌خواهد تعیین کند که روز اول چه زمانی است، راههای ثبوتی بسیار متعددی هست. ولی آن چه که شارع از بین طرق استفاده می‌کند، آنی است که شارع را به مهمترین غرض خودش برساند. آن چیست؟ میقاتیت برای امت اسلامی است.

[1] وسائل الشيعة، ج۱۰، ص: ۲۸

[2] همان ص۳۰۰

بازبینی #3
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 07:48:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 مارس 2026 16:19:46 توسط ... .